

ساختمان حرفهای اضافه در شعر فریدون مشیری صياغة حروف الاضافة في اشعار فریدون مشیری

Editing postpositions in the poetry of Fereydon Moshiry

الباحث : سعد سامي هادي

Saad Sami Hady

Saadsamish1977@gmail.com

اشراف : أ. م. د. رنا علي مجيد

Assistant Professor Dr. Rana Ali Majeed

Ranaalzrejawi75@gmail.com

الخلاصة:

حروف الاضافة وما لها من دور مهم في الجملة ودورها في ربط او الربط بين مكونات الجملة. استخدامها في مواضع اخرى «فإنها تستخدم في مواضع تفيد بعض المعاني الوظيفية مثل الاستعلاء والسببية وغير ذلك» ترجع اهمية الموضوع لأهمية حروف الاضافة التي هي قسم مهم من اقسام الكلمة في اللغة الفارسية في مجال فقه اللغة الفارسية قديما وحديثا. من احد ابعاد الحياة الاساسية للمجتمع هي اللغة . اللغة هي وسيلة ارتباط وتفاهم وتعزيز العلاقات فيما بينهم «وتعتبر البداية لكل التطورات الحاصلة في هذا العالم المتغير» «الحروف جزء من مفردات اللغة» خلافا للاعتقاد الشائع بسبب قلة وعدم وجود امثلة للحروف الزائدة. فأن مرحلة التطور او تطور حروف اللغة تخضع ايضا للتحويل اللفظي التي مر بها الشعر والادب الفارسي «ولطالما حاول الشعراء ان ينقلوا جميل كلمات شعرهم وبأسلوب مختلف عن الشعراء الموجدین في عصرهم. ان الشعر الفارسي بمرحلة تطوره له القدرة على تشجيع الشاعر من الاستفادة من المجموعة الواسعة من المعاني والوظائف الشعرية من اجل التعبير عن الافكار والخواطر.

للغة العربية على المستوى الصرفي. مجلة دراسات معاصرة، ٥ (٢).

- نسرین محمد عبد العزیز. (٢٠٢١). دور الدراما الأجنبية والعربية في تشكيل ادراك الجمهور المصري لواقع تطبيقات الذكاء الاصطناعي. وقائع المؤتمر العلمي الدولي السادس والعشرين (الاعلام الرقمي والاعلام التقليدي مسارات لتكامل والمنافسة). جامعة القاهرة: كلية الاعلام.

- هند يحيى عبد المهدي. (يناير ٢٠٢١). دور الذكاء الاصطناعي في مجال الصحافة اثناء الازمات والكوارث دراسة استشرافية. مجلة البحوث الإعلامية، ٥٦ (ج٤).

References

Wimer , R., & Dominick, J. R. (2011). Mass Media Research. New York: Wads worth.

Abstract:

One of the basic dimensions of life of the community is language. Language is a means of connection and understanding and strengthening relations between them « it is considered the beginning of all developments in this changing world » Letters are part of the vocabulary of the language » contrary to popular belief due to the lack and the absence of examples of extra letters the stage of development of the letters of the language went through » poets have always tried to convey the beautiful words of their poetry in a different style from the existing poets of their time.

Key words: Fereydoun moshiri, prepositions, word, compound, without ,meaning.

چکیده:

یکی از ابعاد اساسی زندگی بشر ؛ زبان است زبان وسیله‌ی ارتباط بین انسان ها و سر آغاز تمام تحولات محسوب می شود . آنچه در جهان دچار تحول می شود ؛ بخشی از واژگان زبان ؛ حروف هستند . برخلاف تصور عمومی که بعثت عدم وجود مصادیق برای حروف اضافه ؛ با هر مرحله از تحولات زبان ؛ حروف نیز دچار تحول می شوند .

زبان شعر فارسی یا ادبیات فارسی مراحل مختلفی را طی کرد ؛ شاعران همواره کوشیده اند زیبایی کلام شعر خود را به جامعه منتقل کرده است . به سبکی متفاوت از شاعران زمان خود . زبان معمول شعر زبان خلاقیت و تخیل است . در زبان فارسی دارد و هم چنین با آن توانش بالقوه‌ای که در خود داراست در طی زمان شاعر را ترغیب تا از وسعت معانی و گستردگی و کارکرد آن ها در جهت بیان اندیشه های خود بهره برد . بنابر این کاربرد حروف اضافه و روش های اجزایی شناخته شده از قبیل : حروف اضافه در معنای ؛ مجازت ؛ مشابهت .

واژه های کلیدی : حروف وابستگی ؛ دستور زبان ؛ کاربرد ؛ شناخته شده ؛ مفهوم ؛ حروف اضافه .

ساختمان و تقسیم حرف های وابستگی (اضافه) و جای آنها :

حرف های وابستگی (اضافه) در زبان فارسی بازمانده ی حرف های وابستگی در زبان پهلوی و فارسی باستان است ؛ در فارسی باستان که حالت های هشتگانه ی اسم با پی

بندهائی

(Terminaisons) . در مفرد و تنثیه و جمع و مذکر و مؤنث نشان داده می شد ؛ حرف های وابستگی نقش مهمی ایفاء نمی کرد و بیشتر برای تاکید و تائید برخی حالتها مانند حالت مفعولی و اضافه پیش از اسم آورده می شد چه بدون این حرف ها هم حالت اسم در جمله از پی بند ویژه ی ان اشکار می گشت . اندک اندک در سیر تحولاتی زبان حرف های وابستگی (اضافه) اهمیت بیشتری یافت ؛ زیرا پی بندها ویژه ی اسم در حالت های هشتگانه رفته رفته از اخر اسم ها افتاده و در بیشتر جاها حرف های اضافه نماینده ی برخی از حالات اسم شد .

در بعضی موارد هم حالت اسم بقرینه بی آنکه با حرف اضافه همراه باشد مشخص بود ؛ مثلاً در جمله ی (سقراط زهر نوشید) ؛ پیداست که زهر در این جمله مفعول و سقراط مسند الیه است ؛ چه جزء با این گونه تحلیل جمله معنی نخواهد داشت .

یا در این مصراع حافظ (دوش دیدم که ملایک در میخانه زدند) سه اسمی که بی حرف اضافه (وابستگی) بکاررفته عبارتست از (دوش ؛ ملایک ؛ در) ذهن بتحلیل منطقی اسم نخست را قید زمان و دوم را مسند الیه (فاعل) و سوم را مفعول بی واسطه یا صریح می شناسد ؛ زیرا اگر جزء این تحلیلی کند معنی مختل می شود .

بدین دو علت و علت های دیگر که اکنون درست دانسته نیست ؛ پی بندهای اسم در حالت های هشتگانه در طی زمان بحکم قانون تحول زائد بنظر رسید و خود بخود و بتدریج حذف شد و زبان با اصطلاح زبان شناسی از وضع (Synthetique) بحالت (Analytique) . (رهبر ؛ ۱۳۶۷ ؛ ص ۱۰) .

تقسیم حرف های وابستگی (اضافه) از لحاظ ساختمان واژه:

حرف های وابستگی (اضافه) را از لحاظ ساختمان واژه بدو گروه بخش توان کرد .

حرف های وابستگی ساده یا حروف اضافه ساده .

تعریف حرف وابستگی ساده : حرف وابستگی ساده آنست که یک کلمه باشد ؛ حرف های وابستگی ساده در زبان فارسی عبارتست : از ؛ الا ؛ اندر ؛ ایدون ؛ به ؛ با ؛ باز ؛ بر ؛ بی ؛ تا ؛ جز ؛ چو ؛ چون ؛ در ؛ را ؛ زی ؛ فا ؛ فرا ؛ فرو ؛ کسره ی اضافه ؛ که ؛ مگر ؛ و ؛ و .

یاد اوری:

– برخی از حرف های وابستگی ساده با حرف بیوند (ربط) وگاه با پیشوند فعل وگاه با قید مشترک است و بر حسب نقشی که در جمله بر عهده دارد گاه حرف پیوند بشمار می رود وگاه قید وگاه حرف اضافه وگاه پیشوند فعل ؛ از این گونه می توان این چند حرف را نام برد :
الا ؛ ایدون ؛ با ؛ باز ؛ جز ؛ چون ؛ فرا ؛ فرو ؛ مگر .
اینک برای روشن شدن مطلب چند مثال آورده می شود :

تندرستی نیامد به اسانی الا من جد واجتهد
الا جمشید او خیلی می‌سوگند

الا: حرف پیوند برای استدراک

دانشجویان به دانشکده آمدند الا علی بیمار بود
(ر.ک: رهبر؛ ۱۳۶۷: ص ۱۱).

با حرف حرف وابستگی برای استدراک
گفته می‌شد: «هر که یا ما نیست یا ما دشمن است»

گفتم: اری؛ این سخن فرموده‌ی اهریمن

است!

اهل معنا؛ اهل دل؛ یا دشمنان هم دوستند

ای شما؛ یا خلق دشمن؟ قلب تان از اهن است؟

(مشیری؛ ۱۳۸۰؛

۱۲۰۳ جلد دوم).

با: حرف پیوند برای عطف.

یا چشم اشکبار غم روی غم گذاشته

عمری‌ست؛ شهریار

من یا تو درد خویش بیان می‌کنم؛ تو نیز

برگیر این پیام و از ان قله‌ی بلند

(مشیری؛ ۱۳۸۰: ص ۱۲۰۸؛ جلد دوم)

جز: حرف وابستگی برای استثناء

باید دانست که «جز» با اسمی که پس از آن آورده می‌شود یک وابسته‌ی قید استثنائی می‌سازد.

تاشهر یادها دیگر شراب هم جز تا کنار بستر خوابم نمی‌برد

(بقائی؛ ۱۳۹۵: ص ۶۱۳)

(رهبر؛ ۱۳۴۷: ص ۱۲)

جز که لهر اسب شاه: وابسته‌ی قیدی استثنائی

ای عشق به جز تو همدمی دارم؟ ته

یا جز غم تو؛ دگر غمی دارم؟ نه

یا این همه زخم‌های کاری که زدی

غیر از مهر تو مرهمی دارم؟ نه

(مشیری؛ ۱۳۸۰: ص ۳۶۵ جلدیکم).

دو وابستگی قیدی:

گاهی حرف اضافه با حرف اضافه دیگری می‌آید یعنی گاه پس از «جز» حرف اضافه دیگری می‌آید که با «جز» بر دو وابستگی قیدی دلالت می‌کند؛ (جز از؛ جز برای)
جز برای: وابسته‌ی قیدی استثنائی و قید استعانت و واسطه.

از چه کند جز از سنگ سخت

جز از سنگ سخت: وابسته‌ی قیدی استثنائی و قید تبیین جنس.

برخی از حروف اضافه‌ی ساده را گاه با حرف اضافه هم معنی آن تاکید می‌کنند بدو گونه:

گونه اول: حرف اضافه‌ی تاکید را بی فاصله پس از حرف اضافه نخستین می‌آورند بدین

صورت:

«اندر ب؛ بر ب؛ تا ب؛ جز مگر؛ در ب». (رهبر؛ ۱۳۴۷: ص ۱۱)

در باغ‌های پر گل

دیوارِ آن نسیم (مشیری؛ ۱۳۸۰؛ ص ۷۲۵؛ جلدیکم)

گونه‌ی دوم: حرف اضافه‌ی تاکید را پس از اسمی که حرف اضافه بر سر آن

آمده باشد بصورت پسواژه یا حرف وابستگی پسین می‌آورند بدین ترتیب:

«از اندر؛ از در؛ از را؛ اندر اندر؛ اندر بر؛ به اندر؛ به بر؛ به در؛

بر اندر؛ در اندر».

مثال: اندر هنر اندر؛ با برو در؛ بهر کشور اندر؛ در اتاق بالا در هست؛

زمین از آسمان اندر ست.

بسرشته ظفر اندر هنر اندر.

(رهبر؛ ۱۳۴۷: ص ۱۲).

شبه حرف وابستگی یا شبه حرف اضافه:

شبه حرف وابستگی یا شبه حرف اضافه این است؛ شبه حرف وابستگی بیشتر از بهم پیوستن یک یادو حرف اضافه‌ی ساده با یک اسم و گاهی با یک صفت با یک ضمیر اشاره ساخته می‌شود؛ شبه حرف وابستگی عمل یک حرف اضافه‌ی ساده را با صراحت و دقت بیشتر انجام می‌دهد. ملاک شناختن شبه حرف اضافه این است که بتوان آن را حذف کسره و بجایش یک حرف اضافه‌ی ساده گذاشت؛ اینک چند مثال:

بهر: بهر (اسم) + کسره‌ی اضافه؛ معادل را

از راه : از + راه (اسم) + کسره‌ی اضافه ؛ معادل جز
(همان منبع قبلی: ص ۱۵).

پس اضافه:

پس اضافه حرف اضافه حرف اضافه‌ای است که بعد از اسم یا گروه اسمی می‌آید .
همه‌ی حروف اضافه فارسی پیش از اسم یا گروه اسمی می‌آیند و در نتیجه پیش
اضافه به شمار می‌آیند . برخی دستور پژوهان تکیه را « را » را پس اضافه خواننده
اند (ن.ک : دبیر مقدم ؛ ۱۳۹۲ : ص ۲۵) .

گذشته از : گذشته (صفت) + از حرف اضافه ؛ معادل جز

چنان چو : چون حرف اضافه + ان (ضمیر اشاره) + چون ؛ معادل چون.

تقسیم شبه حرف‌های وابستگی (اضافه):

گروه اول:

شبه حرف‌های اضافه در این گروه از بهم پیوستن یک اسم یا یک صفت یا یک ضمیر یا یک
حرف اضافه ساخته می‌شود و مهم‌ترین آنها عبارتست از :

« بر ؛ بهر ؛ بیرون از ؛ پی ؛ پیش ؛ جهت ؛ دون ؛ سوی ؛ غیر ؛ غیر از ؛ فراز ؛ گذشته از ؛
گذشت از ؛ مانند ؛ مانده‌ی ؛ مثل ؛ نزدیک » .

گروه دوم :

این گونه شبه حرف‌ها بیشتر از بهم پیوستن یک اسم با دو حرف اضافه ساخته می‌شود ؛ بدین
ترتیب که حرف نخستین را پیش از اسم و حرف دوم را که معمولاً کسره‌ی اضافه است پس از آن
آورند ؛ شبه حرف‌های مهم این گروه عبارتست از :

« از بهر ؛ از پی ؛ از جهت ؛ از راه ؛ از روی ؛ از سر ؛ از فرود ؛ از قبل ؛ از میان ؛ از
واسطه‌ی ؛

اندر جنب ؛ بباب ؛ بجهت ؛ بدون ؛ بسوی ؛ بغیر ؛ بنزدیک ؛ برجای ؛ در باغ ؛ در جنب
؛ در حق .

در باغ »

(۱۳۶۷ : ص ۱۵) .

تو نیستی که بینی ؛ چگونه می‌گردد

تسنیم روح تو در باغ بی جوانه‌ی من .

(مشیری ؛ ۱۳۸۰ کلیات اشعار ص ۴۸۵) .

از بهترین

در بنفشه زار چشم تو

من ز بهترین بهشت‌ها گذشته‌ام

من به بهترین بهار ها رسیده‌ام .

(مشیری ؛ ۱۳۸۰ ؛ ۵۱۲ جلد اول).

جای حرف‌های وابستگی (اضافه):

حرف‌های وابستگی از نظر جای گرینی بر سه گونه است :

۱ – حرف‌های وابستگی بیشتر حرف‌های وابستگی پیش از اسم آورده می‌شود از
این نظر میتوان آن‌ها را پیش واژه یا حرف وابستگی پیشین نامید ؛ از این گروه این
حرف‌ها را می‌توان نام برد :

« از ؛ الا ؛ به ؛ با ؛ باز ؛ بی ؛ تا ؛ جز ؛ چو ؛ چون ؛ زی ؛ فا ؛ فرا ؛ فرو ؛ کسره‌ی
اضافه ؛ که ؛ مگر ؛ و ؛ وا » .

۲ – برخی از حرف‌های وابستگی بیشتر پیش از اسم و گاهی پس از اسم آید و می‌توان
در این حالت آن‌ها را پس واژه یا حرف وابستگی پسین نامیده .

« اندر ؛ بر ؛ ؛ در ؛ » .

۳ – در گروه سوم تنها حرف اضافه‌ی « را » است که همیشه پسواژه یا حرف
وابستگی پسین است.

منت خدای را که طاعتش موجب قربتست

دیباچه‌ی گلستان سعدی

(رهبر ؛ ۱۳۶۷ ؛ ص ۲۲) .

حروف اضافه‌ی فارسی کهن سبکی:

برخی حروف اضافه مربوط به فارسی کهن و یا سبک ادبی است و به همین سبب
تنها در نوشته‌های گذشته و یا شعر و سبک ادبی کنونی مشاهده می‌شوند.

(ر . ک : همایون نفرخ ؛ ۱۳۳۹ ؛ ص ۷۴۸) .

(اندر ؛ اندرون ؛ بهر ؛ از بهر ؛ چو ؛ چون ؛ سوی ؛ نزد) .

مثالی که از اشعار فریدون مشیری در باره‌ی حرف اضافه کهن سبکی:

گفتی طبیب بر سر بیمار می‌برد

دنبال افتاب به سوی زمین دوید !

(مشیری ؛ ۱۳۸۰ ؛ ص ۸۴۸ ؛ جلد دوم).

جان دار روی حیات زمین را که یافتند

بیا هم به سوی خانه‌ی باران شتافتند (مشیری؛ ۱۳۸۰: ص ۸۴۹؛ جلد دوم).

نوازه‌ای پیر و در مانده بود.

ز خلق جهان روی گردانده بود. (مشیری؛ ۱۳۸۰: ص ۱۴۶۲؛ جلد دوم).

نه از کهنه بر جای چیزی؛ نه نو؛

که از بهر روزی گذارد گرو. (مشیری؛ ۱۳۸۰: ص ۱۴۶۲؛ جلد دوم).

عشق و شادابی و نور و نفس و شور و امید

همه را بهر تو دوش کشیده ست بهار. (مشیری؛ ۱۳۸۰: ص ۱۴۹۵؛ جلد دوم).

چشم بیدار بر این تلخی ایام ببند

خواب‌های شکرین بهر تو دیده ست بهار. (مشیری؛ ۱۳۸۰: ص ۱۳۹۵؛ جلد دوم).

ای سر زمین مادری ای خانه‌ی پدر

یادت جو آتش از دل بی تاب بگذرد. (مشیری؛ ۱۳۸۰: ص ۱۵۲۵؛ جلد دوم).

نمونه‌های ساختمان حروف اضافه ساده و مرکب در شعر مشیری: بنظر پژوهنده:

ساختمان حروف اضافه ساده در شعر فریدون مشیری چون نمونه‌های شعری او را می‌خوانیم؛ می‌بینیم در همه قصیده‌ها حروف اضافه ساده و مرکب الان بعضی از ساختمان حروف اضافه ساده و مرکب در بعضی شعر فریدون مشیری. شعر «تشنه‌ی توفان».

حرف اضافه «به» حرف اضافه بسیط سه بار ذکر شده است در مصراع اول «دیگر به روزگار نمی‌بینیم» و در مصراع بیت هشتم «چنگی به تار جان بنوازد نیست» به در مصراع اول «به روزگار» ادات در گروه قیدی با رابطه دستوری قیدی و به معنی مقصد؛ یعنی من بار دیگر به روزگار حاجت ندارم و نمی‌بینم بار دیگر است. و در بیت «چنگی به تار» ادات در گروه اسمی بصورت خاص اند. یعنی آن شوق و اضطراب؛ و آن دردها که روح گذارد نیست. اما به در مصراع «دهم» «بی عشق مانده سر به گریان است» رابطه دستوری حرف اضافه «به» گروه حرف اضافه صفتی و ادات نهایت غایت یعنی عشق منجر به زاری و اذیت دل است؛ یعنی اگر نمی‌توانی مسئولیت عشق را بر عهده بگیری؛ زندگی بی عشق بهتر است.

حرف اضافه «در» حرف اضافه بسیط سه بار ذکر شده است در مصراع سوم «در سینه‌ها ز عشق نمی‌جوشد» و در مصراع نهم «در سینه دل؛ برگ خزان دیده» در مصراع سوم «در سینه‌ها» حرف اضافه در معنی دستوری آن تحدید مکانی است؛ یعنی جای محبوب در دل است. اما معنی در مصراع نهم «در سینه دل» معنی دستوری آن تحدید مکانی است؛ یعنی مکان تو ای محبوب من در دل یعنی در گران‌ترین مکان در انسان است. اما «در» در مصراع بیت «چهارم»

«در تنگنای سینه بلرزاند» در تنگنای؛ گروه حرف اضافه صفتی؛ «در تنگنای» سوی و طرف می‌رساند. «در» یعنی حرف اضافه انتهای غایت است.

حرف اضافه «از» همچنین مورد در این قصیده سه بار است؛ دو بار مخفف و بار دیگر کامل ذکر شده است. در مصراع سوم «در سینه‌ها ز عشق نمی‌جوشد» و هم در بیت «بیستم» «آتش ز نم ز گرمی گفتاری» و همچنین در مصراع یازدهم «از بوسه‌ی نسیم نمی‌لرزد» معنی دستوری «ز» در مصراع سوم «سینه‌ها ز عشق ...» حرف اضافه مخفف «از» تخفیف در شعر فارسی برای وزن و قافیه و تزیین شعر است و این سبکی گه‌گاه است این دلالت که شاعر متأثر به بزرگان شاعران ادب فارسی مانند حافظ؛ سعدی؛ مولانا؛ فردوسی و دیگران است. حرف اضافه «از» مخفف در مصراع سوم معنی دستوری آن این است؛ وابسته‌ی حرف اضافه در گروه صفتی «سینه‌ها ز عشق»؛ یعنی عشق سوخت خود عاشق است. اما در مصراع بیت یازدهم «از بوسه‌ی نسیم» معنی دستوری آن؛ گروه اسمی حرف اضافه؛ یعنی عشق و محبت به طبیعت و این هم یکی مختصات سبکی فریدون مشیری. اما «ز» مخفف در بیت بیستم گروه حرف اضافه صفتی «ز گرمی»

حرف اضافه «بی» در این قصیده یعنی تشنه‌ی توفان فقط یک بار ذکر شده است در مصراع «دهم» «بی عشق مانده سر به گریان» معنی روابط دستوری حرف اضافه «بی» گروه اسمی حرف اضافه. و معنی حرف اضافه «بی» مانند «بدون» و «بی» به رابطه دستوری قید بمعنی دنبال اشاره می‌کند؛ بی عشق یعنی بدون یا بجز عشق است.

حرف اضافه مرکب در این قصیده «چهار بار» ذکر شده است یک بار حرف اضافه مرکب «تا بر» و سه بار «تا به» تا بر در مصراع بیت پانزدهم «تا بر شراره‌های روان سوزش» رابط دستوری اسمی «تا بر شراره‌های» اما حرف اضافه مرکب دیگر «تا به» سه بار ذکر شده است؛ در مصراع بیت «هیفدهم؛ هیجدهم؛ و نوازدهم» یعنی سه بار تکرار شده است.

عشقی نه تا به سر فکند

رنجی نه تا به دل شکند خاری

داغی نه تا به دفتر دانایی

اما حرف اضافه «چو» در مصراع بیت «نهم» یک بار ذکر شده است؛ در بیت «در سینه؛ دل؛ چو برگ خزان دیده» حرف اضافه «چو» یکی از حرف‌های اضافه کهن سبکی تا این لحاظ در زبان فارسی کاربرد می‌کند و معادل آن حرف در زبان فارسی معاصر «نزد»

حرف اضافه «مانند» در مصراع بیت «بیست و چهارم» «مانند روزگار فراموشم!» حرف اضافه «مانند» به کسره‌ی پایانی «--» به رابطه دستوری وابسته‌ی حرف اضافه‌ای با رابطه دستوری ادات؛ گروه اسمی؛ یا گروه فعلی؛ و به معنی «شبه» اشاره می‌کند. «مانند روزگار» رابطه دستوری اسمی «روزگار» مثل با کسره پایانی «مثل».

خدایا؛ وحشت تنهایی ام کشت

سیر تحول حروف اضافه در زبان فارسی:

«حرف کلمه ایست نا مستقل که به خودی خود معنی ندارد و بر اثر همراهی با کلمات و عبارات و دیگر معنا ایجاد می‌کند. حروف از طبقه‌ی بسته یعنی طبقه‌ی محدود زبانند و به آن‌ها کلمات دستوری یا نقش نما یا ساختمان‌ی یا نشانه هم می‌توان گفت. حروف به دو گونه عمده تقسیم می‌شوند: حروف الفبایی (به تعبیر عربی حروف مبانی) و حروف دستوری بتعبیر زبان یعنی (به تعبیر عربی؛ حروف معانی). حروف دستوری دست کم بر چهار قسمند: یکم حروف اضافه؛ دوم؛ حروف ربط؛ سوم؛ حروف ندا؛ چهارم حرف تفسیر (فرشیدورد؛ ۱۲۹۱: ۱۸۲) حرف اضافه یا متمم ساز کلمه‌ای است که گروه اسمی یا اسمی را وابسته و متمم کلمه‌ی دیگر می‌کند؛ مانند کار در مدرسه (متمم اسم). به مدرسه ادم (متمم فعل) پر از آب (متمم صفت) افرین بر تو (متمم صوت) زودتر از همه (متمم قید) (ر.ک: رضازاده؛ بی‌تا؛ کنفرانس بین‌المللی ادبیات و زبان).

دگرگونی‌های حروف اضافه:

حروف اضافه در طول تاریخ زبان فارسی دگرگونی‌هایی را در خود دیده است. به گونه‌ای در که در دوره‌های باستانی نسبتاً مستقل بوده و مانند اسمی؛ صفات و افعال از تشخیص و استقلال اوایی؛ املائی؛ معنایی و دستوری برخوردار بوده‌اند و به دلیل تصریفی بودن. اسمی صفات و ضمائر به حروف اضافه کمتر توجه می‌شد. حالت‌های مفعولی؛ وابستگی؛ دری؛ باین واژه در فارسی باستان نیاز به کاربرد حرف اضافه را تحت الشعاع قرار می‌داد. در زبان فارسی باستان؛ اسم صفات؛ ضمائر در نقش‌های مختلف و برای تبیین و بیان شمار تصریف می‌شد و به دلیل صرف شدن برای نشان دادن؛ نقش‌های دستوری نیازی به بهره‌گیری از حروف اضافه نداشت. در زبان فارسی باستان؛ اسم؛ صفات و ضمائر در نقش‌های مختلف و برای بیان شمار تصریف می‌شد و به دلیل صرف شدن برای نشان دادن نقش‌هایی دستوری نیازی به بهره‌گیری از حروف اضافه نداشت. در زبان‌های باستان که مقوله نام صرف پذیر است؛ صورت صرفی کلمات حاکی از جدید کم است. حروف اضافه در دوره‌های میانه و دری کاربرد بیشتری پیدا کرده؛ و وجوه متعددی از هر کدام در

متون وارد شده و معمولاً معانی آن‌ها متناسب با اسم و واژه بعد تبیین گردیده‌است. البته برخی از حروف اضافه معنای مشخص‌تر و متمایزی نسبت به برخی دیگر دارند و همه حروف از نظر معنا دارای یکسان نیستند. آنچه مسلم است؛ حروف اضافه مانند فعل و اسم از مقوله‌های اصلی تاثیر گذار در ساختار نحوی جمله است و بر خلاف قیود و صفات کاربرد تبعی و ثانوی ندارند. بررسی حروف اضافه به مرور زمان دچار تغییرات گشته است. بدین صورت نه برخی اسمی به حروف اضافه مرکب تبدیل شده‌اند به این معنی که حروف اضافه واژگانی بودند؛ که معانی و معنای مستقل خود را از دست داده و حرف اضافه شده‌اند. به عبارت دیگر برخی حروف اضافه در گذشته مستقل بودند و به مرور معنای خود را از دست داده‌اند. از سوی دیگر حروف اضافه ساده یا برخی واژگان امیخته شده و حروف اضافه مرکب ساخته‌اند. سپس واژه از ساختار حروف اضافه مرکب خارج شده و به عنوان کلمه مستقل و بیشتر در نقش قیدی به کار می‌رود. به عنوان مثال

در ----- در داخل ----- داخل: او داخل خانه است

تبدیل اسمی به حروف اضافه در دوره معاصر رو به فزونی است. واژه‌های دیگر نیز در زبان فارسی وجود دارند؛ که در اصل اسم بوده‌اند؛ اما اکنون به خاطر از دست دادن قسمتی از مفهوم خود. برخی از دستور نویسندگان آنها را نیز حرف اضافه قلمداد می‌کنند یا می‌توان گفت که این عناصر موارد بینابین هستند و ممکن است در مورد اطلاق عنوان حرف اضافه یا اسم به آن‌ها بحث و اختلاف نظر پدید آید. مانند؛ جلو؛ پیش؛ پس؛ پایین؛ سوی؛ بالای؛ زیر؛ پیش؛ کنار؛ لای درون؛ داخل؛ پهلو؛ دنبال؛ پی و الخ.

(غلامعلی زاده ۱۳۸۲).

- بقائی؛ اسدالله نائینی؛ ۱۳۹۵؛ کجا و مسخن (گزیده‌ی نظم و نثر فارسی)؛ چاپ هفتم؛ تهران: انتشارات
- رهبر؛ خلیل خطیب؛ ۱۳۶۷؛ حروف اضافه و ربط مشتمل بر تعریف و تقسیم و شرح اصطلاحات رضا زاده؛ نشرین و همکاران؛ بی‌تا؛ سیر تحول حروف اضافه در زبان فارسی (کنفرانس بین‌المللی ادبیات و زبان شناسی).
- ومعانی و کاربرد حروف؛ چاپ اول؛ سعدی سرای اخوان.
- دبیر؛ مقدم محمد؛ ۱۳۹۲؛ رده شناسی زبان‌های ایرانی؛ جلد اول؛ تهران: سمت؛ به نقل از علاء الدین طباطبایی؛ ۱۳۳۶؛ فرهنگ توصیفی دستور زبان فارسی.
- فرشیدورد؛ خسرو؛ ۱۳۹۱؛ دستور مختصر تاریخی زبان فارسی؛ چاپ

دراسة دور عناصر الادلة اللغوية في تحليل الخطاب للنص

Investigation of the role of linguistic evidential elements in discourse analysis of the text

م.د. حيدر نعيم حمزة الزوامل(*)

Dr. Haider Naeem Hamza Al-Zawamil

haider.alzoamil@qu.edu.iq

سوم؛ تهران: نشر زوار به نقل از رضا زاده؛ نسرین؛ سير تحول حروف اضافہ در زبان فارسی؛ (کنفرانس بين المللى ادبيات و زبان شناسى).

• مشيرى؛ فريدون؛ ۱۳۸۰؛ باز تاب نفس صبحدمان كليات اشعار جلد يكم؛ چاپ سوم؛ تهران: نشر چشمه.

غلام؛ على زاده؛ ۱۳۸۲؛ ساخت زبان فارسی؛ تهران: احيا كتاب؛ به نقل از رضا زاده؛ نسرین؛ بى تا؛ سير تحول حروف اضافہ در زبان فارسی؛ (کنفرانس بين المللى ادبيات و زبان شناسى).

همايو نفرخ؛ ۱۳۳۹؛ دستور جامع زبان فارسی؛ تهران: مؤسسه مطبوعاتی على اكبر على؛ به نقل از مشكوه الدينى؛ مهدى؛ دستور زبان فارسی برپايه نظريه گشتارى ۱۳۲۰؛ چاپ چهارم.

المستخلص:

يمكن دراسة التفاعل بين المتحدث / الكاتب مع الجمهور في الخطاب من بعدين مختلفين. احدهما يتم التطرق إليه من جانب الادوار المتداخلة بين الاشخاص الواردة في نظرية الدور (هليدي)، والاخر سيتم تناوله من خلال دراسة الشواهد والادلة في اللغة. وبعد هذا البحث نقطة مشتركة بين هذين الجانبين اللغويين لانه يعتمد على كيفية تواصل وتفاعل المشاركين في الحدث اللغوي وهو احد المبادئ الأساسية للمنهجين المذكورين. ووفقا لنتائج الدراسات الحديثة حول مكانة والدور الوظيفي والبنوي للعناصر اللغوية، تم تقييم دور ووظيفة تلك العناصر في تحليل الخطاب النصي. ومن خلال دراسة استخدام انواع مختلفة من الشواهد والادلة اللغوية، تم التقييم الكمي والنوعي للنصوص المختلفة بما في ذلك النصوص العلمية وغير العلمية (على وجه الخصوص النصوص الخيالية والسردية). وقد أظهرت نتائج تحليل البيانات أن اسس ومعايير الشهادة والدلالة اللغوية تساهم في تشكيل وتكوين نصوص لغوية مختلفة. لذلك فمن المهم دراسة هذه البنى باعتبارها احد العوامل اللغوية المؤثرة في تحليل الخطاب النصي.

الكلمات المفتاحية: الادلة و الشواهد، هليدي، النص، تحليل الخطاب

(*) جامعة القادسية- كلية الآثار- قسم الدراسات المسماوية